فراخوان برای شرکت در مباحثه

بر این ارزیابی که روندهای سیاسی کشور به سمت تحولات تعیین‌کننده پیش می‌روند و با افزایش تاثیر عامل بین‌المللی، وقوع دگرگونی عینیت بیشتری خواهد یافت، تفرقهٔ همه تحلیل‌گران سیاسی اتفاق نظر دارند. بر همین اساس پرسش‌ها و بحث‌هایرا من موضوعات و مولفاتی چون: همکاری، اتحاد، ائتلاف، جبهه، آلترناتیو سیاسی و... بویژه در میان نیروهای اپوزیسیون فراگیر شده است.

در همین رابطه و با توجه به اهمیت و ضرورت هدفمند و همگراشدن بحث‌ها و نظرها، شریه کار از آنستکه مواضع گوناگون صاحب‌نظران و تحلیل‌گران اپوزیسیون را بازتاب دهد، در همین راستا از همه خوانندگان خود و علاقمندان به شرکت در این مباحثه نیز دعوت می‌کنیم که با پاسخ به پرسش‌های زیر به غنای بحث‌ها یاری رساند، به دلیل محدودیت جا خواهشمندیم پاسخ‌های خود را به حداکثر ۲/۵ ستون (۴۰۰۰ کلمه) شریه کار) محدود نمائید. درج پاسخ‌های دریافتی را ما از شماره آینده آغاز خواهیم‌کرد.

* * *

۱ ـ تعریف شما از مقولات مختلف طرح‌شده در این زمینه: همکاری، اتحاد، ائتلاف، جبهه، چیست و در شرایط کنونی کدام را ود رچه چارچوبی ضروری می‌دانید؟

۲ ـ شکل مورد نظر شما برای تامین اتحاد نیروهای اپوزیسیون در ایران مشخصا چه نیروهائی را در بر می‌گیرد؟

۳ ـ نظر شما در مورد جبهه نیروهای جمهوری‌خواه دمکرات و یا جبهه نیروهای آزادیخواه (بطور خلاصه جبهه جمهوری یا جبهه آزادی) چیست؟

۴ ـ در مورد مشروطه‌خواهان (اسلامی (نیروهائی که حفظ و اصلاح نظام جمهوری اسلامی را خواهانند) چه نظری دارید؟ آیاه در اتحاد مورد نظر شما می‌گنجد؟

۵ ـ در مورد مشروطه‌خواهان سلطنتی در ارتباط با پرسش‌های پیش‌گفته چه می‌اندیشید؟

۶ ـ چه مبانی، معیارها و وجوه مشترکی را، شما برای اتحاد نیروهای اپوزیسیون پیشنهاد می‌کنید؟

ملاحظاتی پیرامون اتحادها

ماشاالله سلیمی

من قبل از هر چیز لازم می‌دانم از نشریه کار تشکر کنم که به چنین بخشی دامن زده و چنین وقتی را در اختیار این جانب گذاشته است.

– اصولا من با اصطلاح تعریف این مقولات زیاد توافقی نداشتم زیرا، مفهوم گسترده، مقولات فوق را خیلی محدود می‌کند. و به همین دلیل نه تعریف، بلکه سعی می‌کنم درک خود را ارائه دهم.

در زمینه همکاری نکر می‌کنم مقدمه ایجاد شرایط برای اتحاد، ائتلاف و تشکیل جبهه است. بدین معنی که ما می‌توانیم بدون این که در اصلاح پرنامه‌ای و بخصوص تاکتیکی اشتراکات جدی داشته باشیم در مورد موضوع معینی اشتراک عمل داشته باشیم. موارد متعددی از مسائل در کشور ما وجود دارد که زمینه و ضرورت همکاری را سبب می‌شوند!

مسائلی از قبیل، آزادی زندانیان سیاسی، لغو مجازات سنگسار، و تمامی مجازاتی‌که نشان از دوره بربریت دارند (نظیر بریدن اعضای بدن، درآوردن چشم) مواردی هستند که تقریبا در برنامه‌های تمامی جریانات سیاسی اپوزیسیون قید شده‌اند. بنابراین می‌توان با استفاده از همین مسائل مشترک همکاری را سازمان داد و در اشکال مختلف، نیروهای گوناگون را حول چنین مسائلی بسیج کرد. در زمینه مقوله اتحادها باید گفت که چه نوع اتحادی؟ آیا اتحاد درازمدت و استراتژیک یا اتحاد تاکتیکی و موقت. در شرایط کنونی جامعه ما، گرچه اتحادهای درازمدت و استراتژیک اهمیت جدی دارد، اما هنوز بهه مساله جاری و مبرم روز تبدیل نشده‌اند. آنچه امروزبه عنوان وظیفه عاجل مطرح است، اتحاد در امر تاکتیک‌ها حول مسائل مبرم و مقدم جنبش است. در این رابطه می‌توان حداقل‌هایی را برشمرد که بسیاری از نیروهای چپ و دمکرات ایران در آن اشتراک نظر دارند. حذف ولایت فقیه، تغییر بنیادین قانون اساسی، تغییر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، جدایی دین از دولت، آزادی زندان، مطبوعات و... از موضوعاتی هستندکه بسیاری از جریانات سیاسی چپ و دموکرات جامعه ما، در برنامه خود گنجانده، و به درجات مختلف در تحقق آن‌ها می‌کوشند!

با این وجود باکسی اغماض می‌توان گفت که متاسفانه تقریبا پراکندگی کامل بر اپوزیسیون حاکم است. عوامل متعددی باعث دوام چنین وضعیتی شده، عمل‌ها، باید متوجه موانع اتحاد عمل‌ها نیز باشد!

در این رابطه علاوه بر عملکرد کمدورتهای تاریخی بین جریانات سیاسی، باید به درک نادرستی از امر اتحاد اشاره کردکه از موانع مهم تحقق همکاری‌های موثر سیاسی در شکل مناسب آن می‌باشد! حداکثرخواهی که عمدتا شامل حال جریاناتی است که خود را چپ و انقلابی می‌دانند، باعث شده‌که آن‌ها فقط و فقط روی افترائات تکیه کنند و اشتراکات را نبینند و یا حتی وانمود سازند که چنین اشتراکاتی را نمی‌بینند.

چنین درکی از اتحاد عملا به آنجا منجر می‌شود که اتحاد را بر پایه همسانی برنامه‌ای استراتژیک می‌پذیرد و فراموش می‌کند، که تحقق چنین امری خود خلاف امر دموکراسی است. زیرا تحقق چنین امری جز دست‌کشیدن جریان دیگر از هدف برنامه‌ای خود میسر نیست.

موضوع چونگی برخورد با جمهوری اسلامی و ارزیابی از کلیت آن و نیز جناح‌ها و تضادهای آن‌ها با همدیگر، حدت و شدت این تضادها، از موانع دیگر شکل‌گیری اتحادهای موثر می‌باشد!

برای این‌که بتوان اتحادی با سازمان داد باید هدف و مضمون آن و نیز محورهای اساسی آن روشن شود: در شرایط کنونی جامعه ما، جمهوری اسلامی در کلیت خویش مانع اصلی تحقق دموکراسی و عدالت در جامعه ماست. این جمهوری به ساختمان پوسیده‌ای می‌ماند که کلدگی است و با گزاف‌ترین هزینه‌ها نیز قابل مرمت نیست.

از این زاویه اگر به مساله نگاه‌کنیم درمی‌یابیم‌که تلاش‌هایی‌که بخشی از حکومتگران (اصلاح‌طلبان حکومتی) در جهت مرمت این ساختمان ترک برداشته می‌کنند، سرانجام خوبی نداشته و نخواهد داشت. البته بیان این واقعیت بدین معنا نیست که به این گونه تلاش‌ها اصلا بها ندهیم. و از آن‌ها در جهت تعمیق جنبش آزادی‌خواهانه و تحول‌طلبانه بهره نگیریم.

نکته در اینجاست که ما نباید در این زمینه دچار افراط و تفریط شویم. یعنی نباید از یک سو همه این اختلافات را سناریوی از پیش‌آماده شده، حکومتیان دانست و تضادها را واقعی ندید و در نتیجه از بهره‌گیری ماهرانه از این تضادها غافل ماند. و از سوی دیگر نباید به این تضادها چنان‌بهای داد، که منجربه این شود که ما نقش ماشوران «مشارکتی»ها را پیدا کنیم. این دو برداشت نادرست از تضاد حکومتیان همان طور که گفتم از موانع جدی شکل‌گیری اتحادهای وسیع‌تر است. بنابراین شرایط اول تشکیل اتحادی وسیع‌تر این است که مشخص گردد که جنبه نفی و ایجاب چنین اتحادی چیست؟

در حال حاضربه نظر می‌رسد اتحادی که نفی کلیت ساختار جمهوری اسلامی را از یک سو و جایگزینی یک آلترناتیو دموکراتیک را هدف خویش اعلام می‌کند، چنان پایدار و کارا و بسیج‌گر نخواهد بود.

در زمینه جایگزینی می‌خواهم تاکید کنم که ما به عنوان یک نیروی چپ و جمهوری‌خواه، باید از زاویه منافع مردم کشورمان و با درنظرداشت اوضاع داخلی و بین‌المللی روی محوری‌ترین و عام‌ترین خواست‌ها که می‌تواند با بسیاری از جریانات سیاسی کشور مشترک باشد تکیه کنیم. در این رابطه بیایک از یک سو به سیاست‌های سکتاریستی و از سوی دیگربه سیاست ذوب‌شدن تدریجی در نیروهای دیگر خاتمه داده شود. به ویژه لازم به تاکید می‌دانم که اگرچه در جنبش‌که همانا استقرار حکومتی لائیک و سکولار به جای جمهوری اسلامی است ایفاکند و پرچم‌دار امر اتحادها گردد. این بدان معناست که ما ضمن حفظ چهره خود و بیان صریح اهداف درازمدت برنامه‌ای، بباید روی شعارهایی تکیه‌کنیم‌که باعث تقویت‌هر چه‌بیشتر جنبش ضد استبداد مذهبی گردد.

لازم به تاکید مجدد می‌دانم که تکیه بر اشتراکات، از نخستین راه‌های غلبه بر تشتت کنونی است.

از موانع دیگر تحقق امر اتحادها درک‌های متفاوت از روش مبارزه، نیز از جمله موانع تحقق امر اتحادهاست. در این رابطه دو دیدگاه، افراط و تفریط در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند: مبارزه، قهرآمیز، مبارزه ،مسالمت‌آمیز!

ادامه در صفحه ۱۱

ائتلاف برای دمکراسی باید هرچه فراگیرتر باشد

سهراب مبشری

* * *

۱ – همکاری از نظر من عام‌تر از همه مقوله‌های نامبرده دیگر است. دو یا چند نیروی سیاسی می‌توانند در قالب هر یک از اشکال نامبرده دیگر، همکاری کنند. واژه اتحاد در ادبیات سیاسی، به ویژه ادبیات سیاسی چپ، بیشتر در عرصه اجتماعی به کار می‌رود. به عنوان نمونه، از اتحاد نیروهای سیاسی نمایندگی‌کننده اقشار و طبقات مختلف سخن می‌رود. اصطلاح ائتلاف در عرف سیاسی امروز جهان به معنای همکاری نهادینه‌شده نیروهای سیاسی مختلف برای دستیابی به هدفی مشترک، جاافتاده است. جبهه، واژه‌ای است که از عرصه نظامی به قلمرو سیاست راه یافته است و چیها از آن به معنی قالب سیاسی اتحاد نیروهای اجتماعی مختلف استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، دو مقوله اتحاد و جبهه، عمدتا در ارتباط با مبارز، طبقاتی و تیلور سیاسی آن معنی می‌دهد. از این رو من ترجیح می‌دهم برای نامگذاری چارچوب همکاری نیروهای دمکرات در ایران کنونی، به جای واژه «جبهه»، از اصطلاحی مانند «ائتلاف» استفاده کنم‌که مانند «جبهه»، ترمینولوژی جنگی را تداعی نمی‌کند. شاید مفید باشد روند مدنی‌شدن سیاست را به عرصه انتخاب‌کلمات نیز سرایت دهیم. به تاثیر روانی زبان و واژه‌ها بر فرهنگ سیاسی نباید کم بها داد.

* * *

۲ – باید قبل از هرچیز بدین پرسش پاسخ دهیم که کلید حل بحران همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران کدامست. به نظر من، پاسخی جز «دمکراسی» نمی‌توان به این پرسش داد. بدمون دمکراسی، این بحران‌ها از میان نخواهد رفت. بدمون اینکه اداره کشور به طور کامل به عهده، نمایندگان منتخب مردم قرار گیرد، مردم ایران، حکومت را از آن خود نخواهند دانست و به یک تلاش گسترده ملی برای غلبه بر عقب‌ماندگی صدها ساله ایران نخواهند پیوست. کلید امر توسعه نیز دمکراسی است. لااقل در ایران چنین است. از این که در صنسال اخیر، چند خیزش و اقدام مردم ایران برای دستیابی به دمکراسی با ناکامی مواجه شده است، قبل از هر چیز باید این درس را گرفت‌که باید حد اکثر نیروها را برای نیل به این هدف بسیج کرد. به عبارت دیگر، ضروری است همه نیروهایی‌که دمکراتاند، بدین معنی که می پذیرند منشا همه قدرت سیاسی باید مردم باشند، اعمال اراده مردم باید از طریق انتخابات آزاد صورت گیرد و متضمن حقوق همه اقلیت‌ها از طریق تعهد بدون قید و شرط به معیارهای بین‌المللی حقوق بشر باشد، برای دستیابی به این اهداف ائتلاف کنند.

* * *

۳ – جای هر نیرویی‌که می‌پذیرد :تکلیف کل قدرت سیاسی باید در انتخابات آزاد و متناوب معلوم شود و حقوق بشر، بدون قید و شرط رعایت گردد، در صفوف ائتلاف برای دمکراسی است. آزادیخواهان ایران در شرایطی نیستند که بتوانند به راحتی از حضور حتی یک نیروی واجد این شرایط در چنین ائتلافی، چشمپوشی‌کنند. گذار به دمکراسی در ایران با توجه به موانع نیرومند بر سر راه آن، نیازمند تمارک حداکثر نیرو و وسائی به خروج‌دادن برای آن است‌که همه توانها و امکانات برای آن بسیج شوند. شماری از هواداران پادشاهی، اصول دمکراسی را می پذیرند و معتقدند شرایط تاریخی ایران، وجود پادشاهی‌که در سیاست دخالت نکند و مظهر وحدت ملی باشد، ایجاب می‌کند. این نیروها از بررسی انتقادی تجربه حکومت غیردمکراتیک قبل از انقلاب، به پذیرش دمکراسی رسیده‌اند. با اینکه بر این گمانم‌که نیروهای جمهوریخواه، در ایران اکثریت بزرگی را تشکیل می‌دهند، اگر من‌هم نیروهای جمهوریخواه دمکرات برای برقراری دمکراسی با مشروطه‌خواهان دمکرات نیز همکاری کنند. مخالفت با چنین ائتلافی، به معنای محروم‌کردن جنبش دمکراتیک از بخشی از نیروی خود است. حال آنکه این جنبش، که مخالفان بسیار نیرومندی دارد، به ذره ذره، توان خود نیازمند است. این استدلال‌که در صورت بسازکردن ائتلاف برای مشروطه‌خواهان دمکرات، این ائتلاف بسیار از آنچه نیرو می‌گیرد، نیرو از دست می‌دهد، به نظر من استدلال معتبری نیست. نیرویی‌که بخواهد همکاری با نیروهای دیگر برای دستیابی به دمکراسی را به علت گستردگی چنین ائتلافی رد کند، هنوز الزامات دمکراسی را درک نکرده، است و باید آن را قانع کرد دهمه این الزامات را بپذیرد، چه حمایت مردمی از ائتلاف برای دمکراسی و چه پشتیبانی افکار عمومی بین‌المللی از آن، در صورت گسترده‌بودن این ائتلاف و محدودنکردنش به نیروهای جمهوریخواه، نیرومندتر خواهد بود.

دیکتاتوری و رادیکال، در حال زوال هستند و پلورالیسم در کشورهای خاورمیانه، الگوهای مورد قبول غرب است. چون گلوبالیزاسیون و ترس کشورهای غربی از بنیادگرایی اسلامی حکم می‌کند به دولت‌های دیکتاتوری روی خوش نشان ندهد. ایران از این لحاظ جایگاه ویژه‌ای دارد. تجربه افغانستان و عراق نشان دادکه آمریکا شکلی از پلورالیسم را مد نظر دارد. البته اگر آقای رضا پهلوی بتواند همان نقشی که ظاهرشاه در لویی جرگه بازی کرد را داشته باشد، خوب، خیلی از نگرانی‌ها بر طرف خواهد شد.

از سوی دیگر احساسجایی به جبهه جمهوری و پاسلطنت نیست چون اگر تحولات بشکل دمکراتیک

ادامه در صفحه ۸

ائتلاف وسیع مناسب‌ترین شکل اتحاد در لحظه حاضر است

کیانوش توکلی

بسیار خوشحالم‌که این مسایل در نشریه کار مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما در پاسخ به سئوال شما بایستی بگویم‌که در زمینه مقولاتی چون اتحاد، همکاری، ائتلاف و جبهه در فرهنگ سیاسی ما تعریف مشخصی وجود ندارد. وتنتی به داشتنامه سیاسی فارسی مراجعه می‌کنید،کمتر چیزی در این باره یافت می‌یابید. با این حال در تاریخ سیاسی ایران شاهد همکاری، همدلی، اتحاد عمل و اتحاد استراتژیک و تشکیل جبهه ملی، ائتلاف وسیع ۵۷ (وحدت کلمه خمینی)، شورای ملی مقاومت و جبهه دوم خرداد بوده‌ایم‌که بایستی در یک بررسی جداگانه مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

اما امروز، از دو ائتلاف وسیع یا حداقل اصول در دو سوی متفاوت ـ یکی در درون نظام و دیگری در اپوزیسیون مطرح است. طبیعتا اهداف، نیروها، اصول، منشور و موانع چنین ائتلاف‌هایی مورد بحث است. البته با وسایلی چون اینترنت می‌شود این بحث را در سطح گسترده طرح و در حداقل زمان به یک جمع‌بندی رسید و برای تصمیم سازمانی آماده شد.

اصلاح‌طلبان حکومتی این روزها به فکر ائتلاف جدیدی به‌جای جبهه دوم خرداد افتاده‌اند! واقعاخنده‌دار است. آن زمان‌که اصلاح‌طلبان حکومتی توده‌های میلیونی و حمایت بین‌المللی و همچنین حمایت بخش قابل توجه‌ای از اپوزیسیون را پشت سر خود داشتند، نتوانستند کاری از پیش ببرند. اکنون دو سه عامل را از دست دادند. بنابراین تلاش اخیرشان، جز نجات رژیم معنی دیگری نخواهد داشت. در اردوی اپوزیسیون هم تلاش گسترده‌ای به منظور ائتلاف وسیع جریان دارد. منشور ۸۱ که توسط جمعی از روشنفکران انتشار یافته است و همچنین نگاه کنید به میثاق با مردم آقای رضاپهلوی که خواهان تشکیل یک ائتلاف وسیع ملی با شرکت همه نیروهای سیاسی است و یا چندی پیش آقای رجوی خواهان تشکیل جبهه همبستگی نیروهای جمهوریخواه شده است. همچنین روزانه دهها مقاله، سخنرانی در همین خصوص در سایت‌های اینترنتی منتشر می‌شود.

شایان ذکر است، ضرورت اتحاد و جبهه در تمام دوران حکومت اسلامی وجود داشته است ولی امروز شرایط جهانی بویژه بعد از ۱۱ سپتامبر و عقیم‌ماندن پروژه مردم‌سالاری دینی شرایط‌کاملا استثنایی برای رهایی ملی از استبداد مذهبی فراهم‌گشته که تاکنون وجود نداشته است.

* * *

۲ ـ این کاملا طبیعی است که دولت سکولار در مقابل حکومت دینی و دمکراسی در مقابل استبداد دینی مضمون ائتلاف وسیع ملی را شامل می‌شود که برخی آن را جبهه دمکراسی نامیده‌اند و همه احزابی که به این دو اصل پایه‌ای اعتقاد دارند. صرف نظر از اینکه جمهوریخواه، و یا مشروطه‌خواه باشند،را شامل می‌شود. البته نوشتن و طرح موضوع کار خیلی راحتی است اما اگر بخواهد این فکر پیاده شود، انبوهی از مشکلات فکری، فنی، سیاسی، روانی و اخلاقی بر سر راهش سبز خواهد شد بنابراین نبایستی انتظار داشت که همه بتوانند به این ضرورت همزمان پاسخ گویند، ولی خوب کار باید از یک جایی شروع شود و دارد می‌شود.

بنظر من مشکلات قبل از اینکه فکری ـ سیاسی باشد، روانی ـ اخلاقی است. بی‌اعتمادی جمهوریخواهان به سلطنت و شاید متقابلا! اینها چیزی نیستندکه بشود یک شبه از بین برود. اینجاست که بایستی با فورمول‌های فنی وارد پیچیدگی مسایل سیاسی شد، تا نگرانی‌ها برطرف شود! من ائتلاف وسیع را که نگرانی‌ها را برطرف شود! من ائتلاف وسیع را که مناسبترین تحت عنوان جبهه دمکراسی باشد، مناسبترین و کاملترین شکل اتحاد در لحظه حاضرمی دانم و از اینرو، همه احزاب سیاسی ایرانی را که بپا حکومت دینی و استبداد مذهبی مرز دارند را، شامل می‌شود.

* * *

۳ ـ تا چند سال پیش اینطور بود که کسی باور نداشت‌که غیر از جمهوریخواهان جریان دیگری به دمکراسی باور داشته باشد. امروز خیلی‌ها پذیرفته‌اند بخشی سلطنت‌طلبان هم می‌توانند دمکرات باشند ولی نظام سلطنت غیردمکراتیک است خوب این خود، گشایشی است. بنظر می‌رسد، این گرهی‌ترین مشکل در جبهه اپوزیسیون در حال بازشدن باشد، در بلوک جمهوری‌خواهی این طور مطرح می‌شود‌که:

حالا آمدیم‌با آقای رضا پهلوی در یک ائتلاف قرار گرفتیم، بعد چی؟ خوب می‌دانیم همواره بین آمریکا و سلطنت در ایران روابط دوستانه بوده است، با توجه به متغیرهای جهانی که در صحنه ملی عمل می‌کنند، از کجا معلوم فردا رضا پهلوی به کمک آمریکا سلطنت را روی کار نیاورد؟ نگرانی‌هایی‌که به حق است و بایستی به آن پاسخ صریح و روشنی داد!

بنظر من اولا شرایط امروز جهان با زمان ۲۸ مرداد زمین تا آسمان فرق کرده است و اصولا حکومت‌های